

خاطراتی از رضاشاه پهلوی

یادداشت‌های رضاشاه

در ساعت پنج بعد از ظهر (۱۳ قوس) ما وارد شهر ناصری شدیم. شمار بسیاری اتومبیل و اسب سوار مسافت يك ميل و نیم با استقبال ما آمده بودند. هر چه به شهر نزدیکتر میشدیم عده مستقبلین زیادتر میشد. در نزدیکی شهر سردار اجل فرزند ارشد شیخ و هشت نفر از روسای عشایر از جمله مستقبلین بودند. خود شیخ یا واقعا مریض بود یا از ترس به ناصری نیامده بود. راه عبور ما و بازار شهر را آئین بسته بیرقها و پرده های رنگارنگ در هر جا برپا بود. شتری را در راه قربانی کردند. خیلی متأثر از کشتن این حیوان زبان بسته شدم و چون دیر رسیدم نتوانستم مانع از قربانی



کردن حیوان بشوم. حال این شتر قربانی را در میان اعراب مسلح که به مخالفت ما مسلح کرده بودند بنظر می‌آورم. افراد مسلح راهها و روی بامها را اشغال کرده بودند. امر عجیبی که نظر مرا جلب نمود این بود که در میان اینهمه جمعیت چشمم به يك زن یا يك دختر نیفتاد. حتی بر روی بامها هم يك جنس زنانه ندیدم. عمارت شیخ خزعل عالیترین و زیباترین عمارات این شهر است که برای سکونت ما تهیه

کرده بودند. در نزدیکی عمارت شیخ اعراب مسلح زیادی بودند که زیر درختها و در کنار دیوارها و در هر پیچ و خم کوچه و گذرگاهی دسته دسته ایستاده به تفنگهای تازه از کار در آمده مسلح بودند. بی نظم و بی ترتیب درهم میلولیدند و مزاحم هم بودند.

مبالغه خودستائی نیست اگر بگویم هر کس غیر از من بود در میان این گروه مسلح سیاه و سفید درهم برهم خود را میبخت و رنگ از صورتش میبرد و زمام کار از دستش بیرون میرفت. نمی‌دانم این چه اراده و شعوری در انسان است که با سر سختی و بیساکچی با پای خود وارد محوطه دشمن میشود با يك عده قلیلی خود را در میان صفوف دشمنان مسلح می‌بیند، تحمل این لطمات روحی باسانی کار هر کس نیست.

بالاخره وارد قصر شیخ خزعل شدیم و در غرفه مخصوص که برای من آماده کرده بودند منزل گرفتم و از رنج و تعب این مسافرت طاقت فرسا راحت شدم. امشب را با رفقا با خوشی بسر بردیم. متعاقب هم بقیه در صفحه بعد



سخن شاه

شاهنشاه در این مصاحبه سخن از تعیین نرخ جدید نفت برای غرب می‌گویند و می‌افزایند:

- * انگلستان اخیرا نفت کشف کرده است و برای او این مسئله عوض شده.
- * ما مایل نیستیم که فقط رستوران و کازینو در خارج خریداری کنیم.
- * غرب اکتشافات خود را به بهای خون ما به ما می‌فروشد.

(شاهنشاه در مصاحبه با مجله اشپیگل - ۱۶ آذر ۱۳۵۵)

- * جا دادن به پناهندگان کرد تا بحال ۳۰۰ میلیون دلار برای ما خرج داشته است.
- * ما باید این قدرت را داشته باشیم که هوپیمای متجاوز یا دشمن را در فاصله دویست یا سیصد کیلومتری ایران سرنگون کنیم.
- * اجازه نمی‌دهیم يك رژیم کمونیستی در خلیج فارس پا بگیرد.

(شاهنشاه در مراسم دانشگاه پدافند ملی - ۶/۲۴/۱۳۵۴)

- * ما مجبوریم سطح نظامی خود را تا آنجا که امکان دارد بالا ببریم.

(شاهنشاه در مصاحبه مطبوعاتی ۴/۱۱/۱۳۴۹)

از احادیث رهبر اححق انقلاب

از نگاه (ناپاک) بپرهیزید که چنین نگاهی تخم شهوت را در دل می‌کارد و همین برای فتنه صاحب آن دل بس است. مراد از نگاه در اینجا نگاه هوس آلود است، خواه به جنس مخالف که محرک شهوات جنسی است و خواه اعم از آن مثل آنچه که در فرهنگ و عمل غربیها رایج است و به کشورهای دیگر هم سرایت کرده که به آن ((Shopping)) می‌گویند. یعنی گردش در فروشگاهها و دیدن مغازه‌ها بدون هدف، که انسان را دچار فتنه یعنی سردرگمی و بیبهدیه گرایی ناشی از هوس می‌نماید. فتنه همه جا به معنای آزمایش و امتحان نیست، بلکه در مواردی به معنای سردرگمی و حیرت می‌باشد، مثلا فتنه اجتماعی یعنی غبارآلود بودن فضای جامعه که انسان را دچار تحیر و گم‌گشتگی می‌نماید. (از احادیث منتخب آیت الله خامنه‌ای!!! در شروع درس خارج) به نقل از پایگاه اطلاع رسانی او.

بله دوستان، بدانید و آگاه باشید که بگفته رهبر معظم انقلاب (که ما آنرا فتنه ۵۷ میخوانیم و بروایت همین گفته آقای خامنه‌ای صحت ادعای ما نیز ثابت شده)، اکثر مردم دنیا اعم از زن و مرد و پسر و جوان شهوتران و فتنه انگیزند.

این شیخ نادان در آغاز گفتار به این امر اشاره میکند که Shopping یا همانا گردش و تفرج در شهر و دیدار از فروشگاهها و اجناس نوعی ارضاء شهوت جنسی است و اگرچه Shopping می‌روید حتما با هدف معین بروید ولو اینکه حتی مثلا به هدف سرقت از آن. فقط بی هدف Shopping نروید که گناه کبیره محسوب میشود.

نکته دوم اینکه گویا حضرات رهبری جمهوری اسلامی اعم از خمینی ملعون و خامنه‌ای روبات، قبل از توطئه شوم سال ۵۷ خیلی Shopping میرفته‌اند که موفق شده‌اند چنین فتنه‌ای را در بهمن ماه همان سال به ثمر برسانند. به بخش دوم فرمایشات امام گونه ایشان توجه فرمائید که میفرمایند: فتنه همه جا به معنای آزمایش و امتحان نیست، بلکه در مواردی به معنای سردرگمی و حیرت می‌باشد، مثلا فتنه اجتماعی یعنی غبارآلود بودن فضای جامعه که انسان را دچار تحیر و گم‌گشتگی می‌نماید.

با توسل به همین سلاح مرموز فتنه اجتماعی سال ۵۷ آخوندهای مکار توانسته‌اند با غبارآلود کردن فضای جامعه (جنگ ۸ ساله، ترویج فقر، فحشا، مواد مخدر، بیکاری و هزار بلای کوچک و بزرگ دیگر) ملت ما را ۲۷ سال دچار تحیر و گم‌گشتگی نمایند.

و با چنین رهبر و چنین طرز فکر و چنین اجتماعی است که امروز در رسای این ملت سردرگم باید نوشت: نه بر مرده که بر زنده باید گریست.

ستونهای لشکر وارد ناصری شدند. امشب من و موقعیت من، خوابیدن و بسر بردن يك امشب را در قصر شیخ خزعل از غریب ترین مواقع است. من تنها امشب را در قصر سخت ترین دشمن خود میگذرانم و پاسبانهای محافظ حیات من که دور این قصر را فرا گرفته‌اند همان هزارها مسلحی هستند که از من و نیات من چیزی نمیدانند جز این که من دشمن مال و جان هستم و آمده‌ام که آنها را از خانه و زندگانی و املاک و علاقه خود بیرون کنم و هستی آنها را تصرف نمایم.

این عمل و این بیبساکی و بی‌اعتنائی من به حیات من و زندگانی، چنان تاثیری در روحیه دشمنان من نمود که اثرش از قوه هزار توپ و توپخانه و هزاران لشکر مسلح بیشتر بود. این جرات و جسارت من دشمنان را چنان مغلوب و منکوب نمود که فهمیدند و یقین کردند من از آنهایی هستم که در راه انجام کاری که در پیش گرفته‌ام از هیچ قوه و نیروئی باک ندارم و اعتماد و تکیه من بر نیروئی است که هرگز مغلوب نمیشود و اطمینان به غلبه و فیروزی خود دارد. شیخ خزعل برخلاف آرزوهای خود در مغلوب ساختن من و ممانعت من در آمدن بخوزستان جرات کمترین حرکتی ننمود و احدی از اتباع او و همقدمان او با او موافقت نکردند و خیالات باطله او نقش بر آب شد.

ساعت ده وقت برای دیدار خزعل معین کرده بودم. در هنگامیکه در ایوان جنوبی عمارت داشتم راه میرفتم ناگهان دیدم شیخ داخل شد و خود را روی پای من انداخت و بوسید. من او را گرفتم و صورتش را بوسیدم. سن این مرد ۶۵ سال است، قیافه تاریک و صورت زنده دارد، رنگ چشمش تمایل به زردی و آثار عیش و نوش و راحت و خوش گذرانی از تن گوشت آلود او پیداست. خورده و خوابیده و بیداری را صرف کارهای... دیگر کرده. شیخ صرف نظر از صورت و قیافه ظاهری به يك سلسله از صفات روحی و معنوی ممتاز است. مردی است با سرعت خاطر، خوش بیان فصیح، زبان آور در طلاقت لسان و مغالطه و اقناع طرف مهارت کاملی دارد. به رخسار او و پیشانی او چروکها و خطوطی است که افراط شیخ را در مقاربت جنسی و زیاده روی او در شرب و بیداری شبها میرساند. از دیدن این قیافه و این قواره و این حالت چشم و سر اینرا فهمیدم که چرا ما را در کشتی جنگی محاصره و اسیر نکردند.

چرا ما را در لنگر از پا درنیآوردند و چرا ما را در ناصری با داشتن لشکر و استعداد هدف گلوله قرار ندادند و چرا يك تیر بطرف ما خالی نکردند. □

**سخنان شهبانو فرح پهلوی به مناسبت بیست و پنجمین سالروز
درگذشت پادشاه فقید ایران اعلیحضرت محمدرضا شاه پهلوی
۴ مرداد ۱۳۸۴**

به یاد آر!

به یاد داری؟ آنروزها، آن ساعت ها، که دل نگران از حال و از فردا، دیروزهای نه چندان دور را در برابر چشمان نابورم ترسیم می کردی؟ به یاد دارای آن تیره دیروزی که خاک دشت آن ملک مهر، در جنوب و در شمال، خاک ریز دیگران بود؟ به یاد داری؟ آن کهن دیار، تن خسته، گسیخته، از هم گسسته را به یاد آر!

با تو از آن روزها می گویم، که از شب تیره تر بود. از آن دیروزها، نه چندان دور از دست، نه چندان دور از خاطره. از آن دیروزها، که از کران تا کران، از مرز تا مرز ملک مهر، نه دری بود و نه گوهری. نه از تاك نشان بود و نه از تاك نشان. به یاد آر!

به یاد داری؟ در آن سرای و الا سخنی، در آن سپهر گفتار خدایان، آن نظم بلند فکر، آن بلورین آئین مهر، در آن میعادگاه انسان، در آنجا که تلاش ایمان بود، و کردار معیار سخن. تو هستی را در حرکت می خواستی و بودن را در جستار، در پهنه کوشش، در آن کار سرای پویش، تو فکر را در خدمت انسان، نه انسان را در بردگی توهم خواستی. تو ایران را شایسته هنر، تو زیبایی را در خور ستایش، تو زن را در قامت انسان خواستی. تو در مرگ، جز تباهی ندیدی. تو از مرگ اسطوره نساختی. تو از اشک مادر، از غم یار، از گریه خواهر، از تازه عروس بیوه، تو از خون، تو از زخم، تو از مرگ، سرودی نساختی. تو رفاه را در جامه عام، سخن را در جامه کار، میهن را در پناه آیین، آیین را در پناه باور. تو باور را، شایسته انسان، و انسان را شایسته زندگی خواستی. به یاد آر! که چه خواستی و چگونه برخاستی.

به یاد آر!

به یاد داری؟ آن روزها، آن ساعت ها، که از سال و از شب بی انتہاتر بود، بی پایان تر بود، غلیظ تر بود تاریکی ترسناک تر از ترس. آن لحظه بی پایان وحشت را به یاد آر.

آن قطره قطره لحظه، آن تنهایی پر سه زدن در ساحل دوری در کرانه غربت، در دیار خصم، در ورای دشنام، در عمق سکوت.

در آن تنگ و تار هیچستانی که نه از ملک نشان بود و نه از مهر. در پوچستانی که دوست دشمن بود، اصالت تحقیر، عدالت شعار، عقلانیت عربده، گفتار بزکی بود که در نهانخانه دروغ از جهل سرودی ساخت.

به یاد آر! آن عقیم خفته در خاک هرزگی را به یاد آر!

به یاد داری؟ در کوهپایه شادی، در باغ ایمان، در گلستان نور، پشت به تاریکی دیروز، نگاهت، ذهنت، بند بند وجودت روی به فردا داشت.

امید درختی است، ریشه اش هستی. حال و باغش فردا است. آن سایه بان هستی، آن لبخند لحظه، تو باغبان امید بودی.

به یاد آر! فرزندم، فرزند ایرانی ام، به یاد آر!

با تو از ایران می گویم. با تو از محمدرضا شاه سخن می گویم!

شکست صنعت گردشگری در ایران

در حالی که صنعت توریست در جهان یکی از منابع اصلی درآمد بسیاری از کشورها بخصوص کشورهای باستانی را تشکیل میدهد، متأسفانه در کشور ما ایران بنابه ادعای صریح مسئولین نابخرد کنونی مملکت این امر چندان رونقی ندارد. به گفته احمد گلشنی کارشناس توریسم، بیشترین گردشگران ورودی ایران تبعه ۴ کشور فقیر افغانستان، پاکستان، ترکیه و عراق هستند که برای ایران، چندان ارز آوری ندارند و این درحالی است که بسیاری از کشورهای دنیا درآمد سرشاری از طریق صنعت توریسم کسب میکنند. وی اضافه میکند در ایران نه تنها تعداد کمی توریست هر ساله وارد کشور می شوند، بلکه آن تعدادی هم که وارد می شوند، اهل کشورهای نسبتاً فقیر همسایه هستند.

دولت تروریست پرور جمهوری اسلامی از طرفی با سیاست غلط و دشمن پرور خود راه ورود گردشگران به کشور را می بندد و از طرف دیگر هزاران هزار ایرانی جویای آزادی و زندگی هر ساله با سفر به کشورهای خارجی میلیونها دلار سرمایه کشور را از ایران منتقل مینمایند.

ملاقات احمدی نژاد با سران یهودی

بگزارش محافل خبری، رئیس جمهور تازه ایران قرار است بزودی دیداری با رهبران یهودی ایرانی در آمریکا داشته باشد. این احتمال می رود که این دیدار همزمان با سفر احمدی نژاد به سازمان ملل در نیویورک در ۱۵ سپتامبر ۲۰۰۵ باشد. این گزارش می افزاید: همچنین سفیر ایران در سازمان ملل، با دو نفر از رهبران کمیته ایرانیان یهودی در آمریکا تماس داشته و درباره ملاقات رهبران این بقیه در صفحه بعد

جامعه با احمدی نژاد مذاکره کرده است.

دیپلمات های اسرائیلی که اخبار مربوط به ریزنی های انجام شده مذکور را به تل آویو ارسال کرده اند، این اقدام را به عنوان شوکی غافلگیرکننده که فضاسازی های صورت گرفته درباره احمدی نژاد را فرو می پاشد، ارزیابی کرده اند.

هر سه دقیقه يك نفر در ایران معتاد میشود

خبرگزاری فارس - مدیر کل امور فرهنگی و پیشگیری ستاد مبارزه با مواد مخدر کشور گفت: در هر سه دقیقه يك نفر از افراد جامعه به مواد مخدر معتاد میشود.

وی افزود علاوه بر مواد مخدر طبیعی يك هزار و ۷۰۰ نوع مواد صنعتی و شیمیائی اعتیادآور نیز در جامعه وجود دارد.

بگزارش این خبرگزاری معتبر ایران، براساس تحقیقات ثابت شده ۶۰ درصد افرادی که به اعتیاد روی میاورند بدلیل عدم احساس رضایت مندی از نحوه زیستن آنهاست.

حمید صرامی در ادامه گفتگو خود افزود در طول ۲۵ سال پس از انقلاب تعداد دو میلیون و ۸۰۰ هزار نفر در رابطه با مواد مخدر دستگیر و روانه زندان شده اند، ولی وی به تعداد تیرباران شدگان و زندانیان در طول دو سال اول انقلاب توسط جانی قرن خلخالی ملعون اشاره نمود. با این حال او با يك نگاه انتقاد آمیز از سیاست جمهوری اسلامی میافزاید: بعد از گذشت ۲۷ سال از عمر انقلاب هنوز سیاست های کلان پیشگیری و مبارزه با مواد مخدر در حال طی کردن مراحل تصویب در مجمع تشخیص مصلحت نظام می باشد.

نکته:

الان حدود ۱ سال است که خیلی خسته ام و این هفته آخر هم که دیگه دارم از پا می افتم. چرا؟ همیشه فکر میکردم کمی تنبل ام اما حالا دقیقاً حساب کرده ام و متوجه شده ام که دارم بیش از حد معمول کار میکنم.

ببینید: ما توی ایران ۷۲ میلیون جمعیت داریم که ۱۳ میلیون اونها بازنشسته هستند. پس می مونه ۵۹ میلیون نفر. از این تعداد، ۲۴ میلیون دانش آموز و دانشجو هستند یعنی برای انجام کارها فقط ۳۵ میلیون نفر باقی می موندند. توی کشور ۱۰ میلیون نفر هم توی ادارات دولتی شاغل هستند که خب عملاً کاری انجام نمی دن. پس برای پیش بردن کارها تنها ۲۵ میلیون نفر باقی می موندند. از این ۲۵ میلیون نفر هم تقریباً ۴ میلیون نفر آخوند و ملا و سانسورچی اینترنت و نماینده مجلس هستند پس فقط ۲۱ میلیون باقی می موندن و اگر بدونیم که تقریباً ۱۷ میلیون آدم بیکار و جویای کار داریم، معنیش این خواهد بود که کل کارهای مملکت را ۴ میلیون نفر دارن انجام میدن. اما حدود ۲ میلیون نفر هم نیروهای ارتشی و سپاه و بسیج داریم و این یعنی فقط ۲ میلیون نیروی کار باقی می موندن. از بین این دو میلیون نفر، ۶۴۶/۹۰۰ عضو پلیس و وزارت اطلاعات هستند پس کلاً می مونیم ۱/۳۵۳/۱۰۰ نفر. حالا این وسط ۸۷۶/۶۴۹ نفر بیمار داریم که قدرت کار ندارند و بار کارهای کشور افتاده روی دوش ۸۰۶/۲۰۰ نفر از جمعیت. فراموش کردم بگم که ما حدود ۸۰۶/۱۸۶ نفر هم ممنوع القلم، ممنوع تصویر، ممنوع الصدا و دیگر انواع زندانی داریم پس کل کارهای کشور افتاده روی دوش ۱۴ نفر، از این چهارده نفر ۱۲ تاشون عضو شورای نگهبان هستند و پس متوجه می شیم که کل کارهای کشور افتاده روی دوش دو نفر: من و تو! و تو هم که داری اینو می خونیی!!!

نوشته شده توسط يك ناشناس

چهارم مرداد
سالروز درگذشت
اعلیحضرت رضاشاه کبیر
که نام ایران و ایرانی
و هویت ملی ما
مدیون او و خدمات
میهن پرستانه اوست.



تسلیت

دوست و یار صمیمی جناب آقای کامران اسحاقیان

با قلبی آکنده از اندوه درگذشت پدر گرامی تان را تسلیت عرض نموده، از درگاه ایزد منان برای شما و دیگر بازماندگان آن مرحوم طول عمر و سلامتی آرزو می نمائیم.

مدیران نشریه شهیاد، ویدئو شهاب، ویدئو فری، ویدئو آنا، کاباره میراث، کاباره بوستان، و نیز از طرف: شهرام قدوسی، امید کهن، بابک اسحاقی، امیر شائول شاهی

خوانندگان محترم نشریه شهیاد

به دلیل مشکلات مالی و بمنظور تداوم هرچه بیشتر حیات نشریه، بنابه تصمیم هیات مدیره شهیاد، چاپ اشعار، مقالات، اخبار و اطلاعیه ها، بیوگرافی اشخاص و دیگر مطالب ارسال شما مستلزم قبول هزینه چاپ آن (برحسب قطع و اندازه مورد لزوم) میباشد. متمنی است این اقدام ما را با توجه به مشکلات موجود، با نظری صادقانه پذیرفته و در این راه ما را همیار باشید.